

The Effectiveness of Lifestyle on Homelessness Victims

Seyyede Sekine Musavi*¹ Shahla Moazami²

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, North Tehran Azad University, Tehran, Iran.

*. **Corresponding Author:** Email: musaviakram@yahoo.com

2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: amoazami@gmail.com



S.D.I.L.
The SD Institute of Law
Research & Study



انجمن بین‌المللی حقوقدانان

انجمن ایرانی حقوقدانان

Publisher:

Shahr-e- Danesh
Research And Study
Institute of Law

Article Type:

Original Research

DOI:

10.22034/10.22034/
JCLC.2021.133149

Received:

21 February 2020

Accepted:

4 November 2020

Published:

6 September 2021



ABSTRACT

Homelessness is a social deviation specific to urban societies. The unfortunate consequences of this social disaster have made it a social issue. It comes from the experience of victims and the community, and it is predictable that vulnerable people will be exposed to the possibility of repeated victimization, the tendency to risk behaviors and abuse. The present study is a descriptive and qualitative study using semi-structured interviewing tool on statistical population of 100 homeless women. The present study shows that the experience of victimization and, in a broader sense, victimization plays a colorful role in guiding women towards the experience of homelessness. Its purpose is to contribute scientifically to the process of designing, formulating, and reviewing criminal and social

Copyright & Creative Commons:

© The Author(s). 2021 Open Access. This article is licensed under a Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0, which permits use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. To view a copy of this licence, visit <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>.



policies in order to prevent effective victimization of homelessness The present study shows that homeless women experience this phenomenon differently from men because of the experience of gender-based victims, the lifestyle imposed on them, daily activities, access to illegal opportunities, presence in hot areas. The city makes them vulnerable victims The risk of repeated and secondary victimization is predictable in these women.

Keywords: Homelessness, Victimization, Lifestyle, Women.

From the dissertation entitled "The relationship between homelessness and female victimization (a case study of homeless women in Tehran in 1397-1398)", Islamic Azad University, North Tehran Branch, Faculty of Humanities, Department of Law.

Funding: The author(s) received no financial support (funding, grants, sponsorship) for the research, authorship, and/or publication of this article.

Acknowledgements: We would like to thank the House of the Sun and the Iranian House of Support for their cooperation in preparing and writing this research.

Author Contributions:

Seyyede Sekine Musavi: Conceptualization, Methodology, Validation, Formal analysis, Investigation, Resources, Project administration, Writing - Original Draft, Writing - Review & Editing.

Shahla Moazami: Data Curation, Supervision.

Competing interests: The author declare that they have no competing interests.

Citation:

Musavi, Seyyede Sekine & Shahla Moazami. "The Effectiveness of Lifestyle on Homelessness Victims" *Journal of Criminal Law and Criminology* 9, no. 17 (September 6, 2021): 51-74.

بررسی اثربخشی سبک زندگی زنان بی‌خانمان بر بزه‌دیدگی آنان

سیده سکینه موسوی* اشهلا معظمی^۲

۱. سیده سکینه موسوی، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد تهران شمال، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: Email: musaviakram@yahoo.com

۲. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: amoazami@gmail.com

چکیده:

بی‌خانمانی یک انحراف اجتماعی ویژه جوامع شهری است. پیامدهای ناگوار این آسیب اجتماعی آن را به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل کرده است. رویکردها و نظرات مرتبط با بی‌خانمانی نشان می‌دهد که بی‌خانمانی در بستری از ویژگی‌های فردی، شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، فقر اقتصادی و قابلیت‌های و محرومیت‌های ناشی از آن، تجربه قربانی شدن و طرد اجتماعی شکل می‌گیرد و از این رهگذر پدیدار شدن افرادی آسیب‌پذیر با احتمال تجربه بزه‌دیدگی‌های مکرر، گرایش به رفتارهای پرخطر و بزهکاری، قابل‌پیش‌بینی می‌باشد. پژوهش حاضر توصیفی، به روش کیفی و با ابزار مصاحبه نیمه ساخت‌مند، بر جامعه آماری متشکل از ۱۰۰ زن بی‌خانمان انجام پذیرفته است؛ و هدف از آن، بررسی مسیر زندگی زنان در بی‌خانمانی و توصیف تجربه‌های قربانی شدن زنان به‌عنوان یک آسیب اجتماعی می‌باشد.

پژوهش حاضر نشان داد: زنان بی‌خانمان به دلیل تجربه قربانی

کپی‌رایت و مجوز دسترسی آزاد:



کپی‌رایت مقاله در مجله پژوهش‌های حقوقی نزد نویسنده (ها) حفظ می‌شود. کلیه مقالاتی که در مجله پژوهش‌های حقوقی منتشر می‌شوند با دسترسی آزاد هستند. مقالات تحت شرایط مجوز 4.0 Creative Commons Attribution Non-Commercial License منتشر می‌شوند که اجازه استفاده، توزیع و تولید مثل در هر رسانه‌ای را می‌دهد، به شرط آنکه به مقاله استناد شود. جهت اطلاعات بیشتر می‌توانید به صفحه سیاست‌های دسترسی آزاد نشریه مراجعه کنید.



پژوهش‌کده حقوق



انجمن ایرانی حقوق کیفری



انجمن ایرانی حقوق جزا

نوع مقاله:

پژوهشی

DOI:

10.22034/JCLC.2021.133149

تاریخ دریافت:

۲ اسفند ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش:

۱۴ آبان ۱۳۹۹

تاریخ انتشار:

۱۵ شهریور ۱۴۰۰



شدن‌های مبتنی بر جنسیت، این پدیده را به‌گونه‌ای متفاوت از مردان تجربه می‌کنند. سبک زندگی تحمیل شده بر آنان، فعالیت‌های روزمره، دستیابی به فرصت‌های نامشروع، حضور در مناطق داغ شهری، آنان را به بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر بدل می‌سازد. خطر بزه‌دیدگی‌های مکرر و بزه‌دیدگی‌های ثانویه در این زنان قابل‌پیش‌بینی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها:

بی‌خانمانی، بزه‌دیدگی، سبک زندگی، زنان

برگرفته از پایان‌نامه با عنوان «رابطه پدیده بی‌خانمانی و بزه‌دیدگی زنان (مطالعه موردی زنان بی‌خانمان شهر تهران در سال‌های ۹۷-۹۸)»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال دانشکده علوم انسانی گروه حقوق

حامی مالی:

این مقاله هیچ حامی مالی ندارد.

سپاسگزاری و قدردانی:

بدین وسیله از خانه خورشید و مدد سرای همرازی ایرانیان، بابت همکاری در تهیه و نگارش این پژوهش سپاسگزاری می‌شود.

مشارکت نویسندگان:

سیده سکینه موسوی: مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، اعتبار‌سنجی، تحلیل، تحقیق و بررسی، منابع، مدیریت پروژه، نوشتن - پیش‌نویس اصلی، نوشتن - بررسی و ویرایش
شهلا معظمی: نظارت بر داده‌ها، نظارت.

تعارض منافع:

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

استناددهی:

موسوی، سیده سکینه و شهلا معظمی. «بررسی اثربخشی سبک زندگی زنان بی‌خانمان بر بزه‌دیدگی آنان». مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی ۹، ش. ۱۷ (۱۵ شهریور، ۱۴۰۰): ۵۱-۷۴.

مقدمه

در حوزه مطالعات زنان دو واژه قربانی شدن و بزه‌دیدگی از پربسامدترین واژه‌ها محسوب می‌شوند. از همین روست «که در بسیاری از تمدن‌ها و فرهنگ‌ها که زنان بدین‌سان بارها قربانی می‌شدند واژه «Victim» در بسیاری از زبان‌ها که اسم‌ها دارای جنس مذکر و مؤنث است، به شکل مؤنث به کار می‌رود.^۱ در یک رویکرد معنایی گسترده‌تر از بزه‌دیدگی، بر مبنای قربانی‌شناسی عمومی، زنان کوله‌بار دردناکی از تجربه‌های خشونت‌بار را به دوش می‌کشند. آنان به دلیل جنسیت، برچسب‌های موفق اجتماعی و نقش فروکاسته اجتماعی به بزه‌دیدگانی آسیب‌پذیر بدل می‌شوند.

بزه‌دیدگی یک واقعیت اجتماعی، زیستی و روانی است که باتوجه‌به آسیب‌پذیری یک فرد و به‌وسیله آنچه که متحمل شده، می‌تواند مشخص گردد؛ هرچند این امر ناشی از یک جرم مربوط به آن نباشد^۲ و بزه‌دیده‌شناسی زنان نگاهی ویژه به طبقه‌ای از بزه‌دیدگان دارد که ساختار خاص جسمانی و روانی و نیز عوامل تاریخی و اجتماعی، آنان را از سایر بزه‌دیدگان متمایز می‌سازد^۳ در میان بی‌خانمان‌ها، قشر زنان بی‌خانمان به دلیل موقعیت و جایگاه فرهنگی و اجتماعی ویژه، قابلیت‌های فیزیولوژیکی متفاوت از مردان که البته بخش عمده‌ای از آن متأثر از ساختارها و الگوهای کلیشه‌ای حاکم بر جامعه نیز هست، از شرایط متفاوتی نسبت به سایر اقشار مرتبط با این پدیده برخوردارند.^۴ آمارهای ارائه شده از سوی نهادهای خبری، داده‌های زیر را درمورد زنان بی‌خانمان نشان می‌دهد: در بین ۱۵ هزار بی‌خانمان موجود در پایتخت، ۱۵ تا ۲۰ درصد از آنان را زنان تشکیل می‌دهند که تجمع آنان بیشتر در نقاط بی‌دفاع شهری مشاهده می‌شود. کمیته اجتماعی شورای شهر تهران حدود ۱۵۰۰ زن بی‌خانمان و کارتن‌خواب را که ۹۰ درصد در سنین باروری هستند و ۲۷۴ مادر باردار می‌باشند، شناسایی کرد. به گفته معاون خدمات اجتماعی سازمان رفاه و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران میانگین سن زنان کارتن‌خواب شهر به ۱۷ و ۱۸ سال کاهش یافته است. بنا بر آمار ستاد مبارزه با مواد مخدر طی ده سال اخیر تعداد زنان معتاد دو برابر شده است و از سوی دیگر سهم زنان از کارتن‌خوابی هم به ۱-۳ رسیده است.^۵

این گزارش‌ها از زاننه شدن آسیب‌های اجتماعی نشان دارد. اعتیاد و تن‌فروشی از واقعیت‌های زندگی زنان کارتن‌خواب است؛ و پیامدهای آن به شکل انتقال اچ. ای. وی. به شرکای جنسی،

۱. مهرداد رایجیان اصل، بزه دیده شناسی جلد یکم تحولات بزه دیده شناسی و علوم جنایی (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰)، ۸۶.
۲. ژرار لیز و ژینا فیلیزولا، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند و احمد محمودی (تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۸)، ۸۹.
۳. هما داوودی، «بزه دیده شناسی زنان و زمینه‌های مؤثر در کاهش جرائم»، مجله فقه و حقوق خانواده (۱۳۸۸)، ۲۰-۱.
۴. خدیجه سفیری، ۱۳۹۳ «بررسی وضعیت امید به زندگی زنان بی‌خانمان شهر تهران مطالعه موردی مرکز نگهداری موقت زنان بی‌خانمان شهرداری تهران سامانسرای لويزان»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران (۱۳۹۳)، ۵۲.
۵. سمیه، قدوسی، «زنان کارتن خواب فرودست فرودستان»، مجله زنان/امروز (۱۳۹۵)، ۵.

بارداری‌های نامشروع، مخاطرات تجربه شده در پی سقط‌های غیربهداشتی و تولد کودکان آلوده، معتاد، بی‌هویت و محروم از خدمات اجتماعی نمایان می‌شود که خود چرخه زندگی خیابانی را تقویت می‌کند و به شکل‌گیری آسیب‌هایی چون کودک‌آزاری، کودکان کار خیابانی و تجارت نوزادان به‌منظور تأمین معاش و تهیه مواد مخدر و درنهایت انتقال آسیب‌های اجتماعی از نسلی به نسلی دیگر می‌انجامد. وضعیت نامطلوب اقتصادی و اجتماعی بی‌خانمان‌ها و توسل ناگزیر آنان به جرایمی چون سرقت و فحشاء و تردد آنان در سطح شهر موجب شکل‌گیری ترس از قربانی شدن در میان شهروندان گردیده است که خود روند طرد اجتماعی بی‌خانمان‌ها را افزایش می‌دهد.

نگاهی دقیق به شرایط زنان بی‌خانمان مبین دو مسئله اساسی می‌باشد:

- ۱) زنانه شدن آسیب‌های اجتماعی به دلیل نقش محوری زنان در خانواده و نقش پررنگ مادران بر جامعه‌پذیری کودکان زنگ خطری جدی محسوب می‌شود. از این‌روست که فمینیست‌ها «در تحقیقات مربوط به زنان، کودکان را نیز به‌عنوان بزه‌دیدگان و باقی‌ماندگان از جنایات نسبت به زنان مطرح کردند.»^۶
- ۲) پدیده بی‌خانمانی به مسئله آتی اجتماعی تبدیل شده است؛ و جامعه آن را تهدیدی برای حیات مطلوب خود تلقی می‌کند.

۱- طرح مسئله

رویکردهای مسیر بی‌خانمانی مطرح شده از سوی فیتز پاتریک^۷ دیدگاهی جامع درخصوص تجربه ورود افراد به وضعیت بی‌خانمانی، نحوه زندگی در دوران بی‌خانمانی و مسیرهای خروج احتمالی از بی‌خانمانی است. زنان به دلیل جنسیت در هر سه مرحله از مسیر بی‌خانمانی، تجربه‌ای متفاوت از مردان دارند. زنان با انباشتی از تجربه‌های قربانی شدن حاصل از زندگی در خانواده‌های ازهم‌گسیخته، والدگری‌های ضعیف، دلبستگی‌های نایمن، خشونت‌های جسمی، روانی و جنسی، کودک همسری، تقسیم نابرابر منابع در خانواده، فقر و محرومیت اقتصادی و قابلیت، به‌سوی بی‌خانمانی گسیل می‌شوند. «آنچه در کجروی زنان بیش از هر چیز دیگر نمود پیدا می‌کند این است که جرم و انحراف در میان زنان بیش از آنکه برآمده از یک تصمیم‌گیری شخصی باشد همان‌طور که دیوید ماتزا^۸ ۱۹۶۴ می‌گوید یک جور کشیده شدن است.»^۹

۶. ویلیامز کاترین، «روش زندگی و تأثیرگذاری بزه‌دیده بر وقوع جرم»، ترجمه علی صفاری، مجله تحقیقات حقوقی ۴۱ (۱۳۸۴)، ۱۴۲.

7. Fitz parik

رحمت الله صدیق سروستانی و آرش نصرافهانی، «اعتیاد طرد اجتماعی و کارتن‌خوابی در شهر تهران»، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران ۱۱ (۴) (۱۳۹۸)، ۵.

8. David matza

۹. زهرا میر حسینی، «پدیدارشناسی زمینه‌های ارتکاب جرم در زنان»، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی ۸ (۱۳۹۵)، ۱۱۳-۱۴۷.

در بی‌خانمانی، «بی‌خانمان‌ها که بیشتر اوقات خود را در خیابان می‌گذرانند در معرض بزرگ‌ترین خطر بزه‌دیدگی قرار دارند.^{۱۰} «به عبارت دیگر» در خیابان ماندن یعنی افزایش قابلیت حصول». «بزه‌دیدگی، یک موضوع ساده از در خیابان ماندن نیست.»^{۱۱} «اینکه چه کسی هستی و چه کاری انجام می‌دهی مهم است.»^{۱۲}

نیازهای زنان بی‌خانمان برای بقا، متفاوت از نیازهای اولیه زنان دیگر جامعه نیست. آنان نیز برای بقا و در امان بودن از سرما و گرما و آسیب‌های زندگی، به سرپناه؛ خوراک و پوشاک نیازمند هستند. داده‌های توصیفی درمورد زنان بی‌خانمان نشان از فقر قابلیت‌ی در حوزه آموزش و اشتغال دارد. بیکاری و نداشتن درآمد، پیامدهای گریزناپذیر این فقر می‌باشند که در نبود حمایت‌های اجتماعی حاصل از طرد اجتماعی، تأمین نیازهای اولیه زنان برای بقا را با دشواری جدی روبرو می‌کند. به گزارش مشترک یونسکو و سازمان ملل متحد (۲۰۰۲) بخش قابل توجهی از جوانان بی‌خانمان به خصوص زنان در نهایت درمی‌یابند که چاره‌ای جز تن‌فروشی و سکس برای تأمین سرپناه و مایحتاج روزانه خود ندارند. ابداع رایج‌ترین شیوه انطباق فردی، مانند شیوه‌های کسب و کار غیرقانونی و یا غیررسمی برای کسب درآمد می‌باشد. زنان در این انطباق از سرمایه و شایستگی‌های خیابانی خود استفاده می‌کنند. ورود ناگزیر زنان به اقتصاد سیاه آنان را با بزه‌دیدگی‌های مختلفی روبرو می‌سازد، در این راستا در یک وارونگی نقش از بزه‌دیدگی به بزهکاری شرایط آنان دشوارتر می‌گردد.

«برخی شیوه‌های زندگی به شکلی پایه‌گذاری شده است که باعث تقویت مجموعه‌ای از متغیرها می‌شود که احتمال در کنار هم قرار دادن بزهکار و بزه‌دیده را، چه به صورت و چه به کرات افزایش می‌دهد.»^{۱۳} این موضوع ثابت شده که بزه‌دیدگی ثانوی به نحو نامتناسبی در مناطقی که دارای نرخ بالای جرایم هستند، اتفاق می‌افتد. از این رو بزه‌دیدگی ثانویه نقش اساسی در توضیح ارتباط بین اشخاص و جرایم منطقه‌ای بازی می‌کند.^{۱۴} حضور زنان بی‌خانمان در مناطق داغ شهری آنان را در معرض بزه‌دیدگی‌های مکرر قرار می‌دهد. همچنین داغ و برچسب حاصل از خارج از خانه بودن زنان بی‌خانمان و به تعبیر گافمن^{۱۵}، داغ عدم‌پذیرش ویژگی‌ها^{۱۶}، آنان را به بخش فروتر جامعه بدل می‌سازد. این داغ در یک جامعه مردسالار آکنده از باورهای جنسیتی، روند بازگشت زنان به خانه را با

10. See: K. Tyler, L. Whitbeck and D. Hoyt, "Risk factors for sexual victimization among male and female homeless and Runaway youth", *Journal of Interpersonal Victimization* 19(5)(2004)

11. Kimberly and Anna Tyler, "The effects of high risk environment on the sexual victimization of homeless and runaway youth"(1999)Low state university <https://lib.dr.iastate.edu/rtd/12619>

12. See Kimberly A. Tyler, R. Hoyt, Dan Whitbeck, Les B. and Ana Mari cauce, "The Impact of Childhood Sexual Abuse on Later Victimization among Runaway youth", *Journal of Research on Adolescence* 11(2)(2001).

۱۳. امیلیو ویانو، ۱۳۷۶، «بزه دیده شناسی»، ترجمه نسرین مهرا *مجله تحقیقات حقوقی* ۱۹(۱۳۷۶)، ۴۴۶.

۱۴. گراهام فارل، کورتا فیلیس و کن پیس، «چرا بزه‌دیدگی ثانوی اتفاق می‌افتد»، ترجمه نوروز کارگری، *مجله*

حقوق اسلامی ۹(۱۳۸۵)، ۱۶۲.

15. guffman

16. Hot Stigma

دشواری روبرو می‌سازد.

استین وادواردز^{۱۷} (۲۰۰۶) بر این باورند «سبک زندگی روشی است که از طریق آن افراد به‌سوی تکالیف زندگی راهنمایی شده یا از آن‌روگردان می‌شوند.»^{۱۸} تجربه قربانی شدن‌های قبل از بی‌خانمانی و در بی‌خانمانی، سبک زندگی ویژه‌ای را به آنان تحمیل می‌کند. بدین‌سان سرزنش‌پذیری بزه‌دیده، مبنی‌بر انتخاب آزادانه سبک زندگی با چالش جدی روبرو می‌شود. سبک زندگی، درگیر شدن در رفتارهای پرخطر، گروهی از مردم را در معرض خطر بالاتری قرار می‌دهد؛ اما ترکیب این رفتارها با جنسیت و سن تعیین می‌کند که چه کسی قربانی می‌شود.^{۱۹}

کریستن و رگرسن^{۲۰} (۲۰۰۴) بر این باور است «بزه‌دیدگی ترکیبی از احساس ناامنی و ترس از جرم را بر تجربه و درک قربانیان جرایم باقی می‌گذارد که می‌تواند اثرات مستقیمی بر کیفیت زندگی افراد داشته باشد.»^{۲۱} از این‌رو بزه‌دیدگی می‌تواند معلول سبک زندگی و یا علت آن باشد. این مهم یکی از مباحث مورد توجه در قربانی‌شناسی است.

بررسی پیشینه تحقیق نشان داد: کلیه پژوهش‌های داخلی، در مورد پدیده بی‌خانمانی، از منظر جامعه‌شناسی انجام پذیرفته و پرداختن به این آسیب اجتماعی از منظر جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی مغفول واقع شده است. این پژوهش با فاصله گرفتن از قربانی‌شناسی کیفری، با بسط و گسترش مفهوم قربانی، فارغ از سرزنش بزه‌دیده، با رویکردی حمایت‌مدار به قربانی‌شناسی عمومی نزدیک می‌شود. در این رویکرد مفهوم نوین بزه‌دیده، وابسته به تجربه بی‌عدالتی با سرچشمه‌های گوناگون می‌باشد که ممکن است در حوزه قوانین مدون محصور نماند. این پژوهش درصدد پاسخگویی به این پرسش اساسی است: نقش‌های سبک زندگی زنان بی‌خانمان در تجربه بزه‌دیدگی‌های حاصله کدام‌اند؟ از این‌رو پس از پرداختن به چهارچوب نظری شامل سبک زندگی و نظریه فرصت هفت مقوله از میان روایت‌های زنان شامل تجربه سکس برای بقا، تجربه بزه‌دیدگی جنسی، تجربه روسپی‌گری، تجربه ترس از جرم، تجربه سابقه کیفری و تجربه سلامت و بهداشت انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

17. Astin & edwards

۱۸. احمد سوری، «مقایسه و رتبه‌بندی مقیاس‌های سلامت عمومی زنان بزه‌دیده جرم با زنان عادی در شهر

تهران»، دو فصلنامه پژوهش‌های انتظامی زنان و خانواده شماره ۱(۱۳۹۵): ۵-۱۹.

19. See: Kimberly, A.tyler, Les B.Whitbeck, Dan R Hoyt. Ana Mari Cause "The Effects of High-Risk Environment on the Sexual victimization of Homeless and Runaway youth", *Published in violence and victims* 16(4)(2001).

20. Christmann & rogerson

۲۱. سهیلا صادقی و زیبا میرحسینی، «بررسی عوامل مؤثر بر بزه‌دیدگی زنان شهر تهران»، *مجله زن در توسعه و*

سیاست (پژوهش زنان) ۱۹(۱)(۱۳۹۰)، ۵۶.

۲- پیشینه پژوهش

نتایج پژوهش خدیجه سفیری و رسول خادم در مورد «بررسی وضعیت امید به زندگی زنان بی‌خانمان شهر تهران» که از میان زنان نگهداری شده در مرکز لویزان که پذیرای گروه خاصی از زنان می‌باشد نشان داد: ۵۸ درصد این زنان دچار بیماری‌های مزمن یا امراض خطرناک هستند. ۷۴ درصد اعتیاد حاد و مزمن به مواد افیونی دارند و ۷۵ درصد در شرایط روانی حاد و مزمن و ۹۶ درصد در شرایط قربانی شدن قرار دارند.

نتایج پژوهش اکبر علیوردی‌نیا با موضوع «جامعه‌شناسی کارتن‌خوابی» که جامعه آماری آن از میان مردان مراجعه کننده به خوابگاه‌های شبانه انتخاب گردیده نشان داد: متغیرهای پیوستگی، شبکه اجتماعی، حمایت اجتماعی، قربانی شدن و سوء‌مصرف مواد، رابطه مستقیم و معناداری با بی‌خانمانی دارد.

نتایج پژوهش زهرا زارع «رابطه بین فاکتورهای فردی با دفعات و مدت بی‌خانمانی» که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز انجام شده است، نشان داد: افراد بی‌خانمان غالباً افراد بدون حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی هستند که برخی ویژگی‌های فردی در آنان، چون تحصیلات پایین، ضعف تعلق عاطفی و خانوادگی، بیکاری، ضعف مهارت‌های شغلی، سابقه ناتوانی جسمی و روانی و سابقه اعتیاد به عنوان فاکتور خطر برای بازگشت به بی‌خانمانی قوی هستند.

پژوهش‌های خارجی به متغیر بزه‌دیدگی و جنسیت توجه بیشتری داشته‌اند. نتایج پژوهش هویت و همکاران، جانوس و همکاران، کوفلدت و نشان می‌دهد: «بی‌خانمان‌ها که بیشتر اوقات خود را در خیابان می‌گذرانند در معرض بزرگ‌ترین خطر بزه‌دیدگی قرار دارند.»^{۲۲} گذران وقت در خیابان، با مشارکت در عملیات خطرناک ارتباط می‌یابد که خطر بزه‌دیدگی را برای کسانی که در سن کم و برای اولین بار از خانه می‌گریزند به واسطه داشتن مهارت‌های اندک و تجربه کمتر، رشد می‌دهد و آنان را در برابر بزه‌دیدگی آسیب‌پذیرتر می‌سازد یک پژوهش در میان ۳۰۴ نمونه جوان بی‌خانمان نشان داد: «سلامت روانی کمتر، در نتیجه تجربه آزار جنسی در کودکی، پس از سن و جنس، بزه‌دیدگی جنسی بی‌خانمان‌ها را در بزرگسالی قابل‌پیش‌بینی می‌سازد.»^{۲۳} پژوهشی بر ۲۲۲ زن روسپی نشان داد ۳۷/۹ از زنان درگیر سکس برای بقا بوده و درصد بزرگی از آنان بی‌خانمان بوده‌اند.

پژوهش جونز^{۲۴} و دیگران (۱۹۸۷)، کافلدت و نیمو^{۲۵} (۱۹۸۷) نشان داد که جوانان بی‌خانمان ریسک بزرگی از بزه‌دیدگی جنسی را در خیابان تجربه می‌کنند. جوانان بی‌خانمان نرخ بزرگی از بزه‌دیدگی را در خیابان و با فاکتورهای خطری چون شرکت در روش‌های امرار معاش منحرفانه چون سرقت و ملحق شدن به جوانان همسال کچرو و استفاده از الکل یا مواد مخدر تجربه می‌کنند.

22. See Kimberly, op. cit.

۲۳. فارل، فیلیپس و پیس، پیشین، ۱۹.

24. Janus

25. Kufeldt & Nimmo

جوانانی که در رفتارهای با ریسک بالا درگیر می‌شوند، قابل‌پیش‌بینی‌تر است که در معرض بزه‌دیدگی جنسی قرار بگیرند.

پژوهش کوتز و مکنزی مهر^{۲۶} (۲۰۱۰) در گزارش دپارتمان سلامتی و سرویس انسانی (۲۰۰۹) بزرگ‌ترین نرخ بزه‌دیدگی جنسی^{۲۷} شامل آزار جنسی کودک، حمله جنسی، تجاوز، در جمعیت بی‌خانمان‌ها، در مقایسه با جمعیت باخانمان‌ها را گزارش کرده است.

پژوهش حاضر از منظر قربانی شدن با پژوهش خدیجه صفیری و رسول خادم، زهرا زارع و اکبر علی‌پوردی‌نیا مشابهت دارد؛ و جامعه آماری اکبر علی‌پوردی‌نیا شامل مردان بی‌خانمان می‌باشد. هر سه پژوهش در میان مراجعین به خوابگاه‌ها و مراکز شهرداری صورت گرفته است؛ درحالی‌که وجه تمایز این پژوهش در انتخاب جامعه آماری از زنان بی‌خانمان در محل تردد روزانه آنان در سطح شهر می‌باشد. همچنین روش پژوهش‌های صورت گرفته قبلی کمی و با ابزار پرسشنامه بوده است درحالی‌که این پژوهش به شکل کیفی و با ابزار مصاحبه نیمه ساخت‌مند انجام گرفته است.

۳- روش تحقیق

«هدف از پژوهش کیفی عبارت است از غنی کردن توصیف‌های خود از محیط‌های اجتماعی^{۲۸} توصیف متداول‌ترین طرح در جرم‌شناسی و عدالت کیفری است.»^{۲۹} گر چه گروهی بر این باورند «هیچ روش تحقیقی به‌خودی‌خود فمینیستی یا غیرفمینیستی نیست، راه‌های انجام تحقیق و چهارچوب نظری آن که بستر تعبیر نتایج است، تحقیق را فمینیستی یا غیرفمینیستی می‌کند.»^{۳۰} اما «روش تحقیق کیفی به این دلیل که امکان ورود به حوزه‌های حساس‌تر زندگی زنان و درک مفاهیم این حوزه‌ها را فراهم می‌آورند، بهتر از هر روش دیگری قادر به آشکار کردن سرشت تجربه‌های زنانه و موردتأیید نظریه‌پردازان فمینیسم است.»^{۳۱} از آن‌رو که «داده‌های مسیر زندگی از داده‌های مهم در بررسی‌های جرم‌شناسی تلقی می‌شود.»^{۳۲} پژوهش حاضر با بررسی مسیر زندگی زنان در بی‌خانمانی، درصد آشکار کردن تجربه‌های قربانی شدن زنانه به‌عنوان یک آسیب اجتماعی می‌باشد.

26. Coates & Mckenzie-mohr

27. Sexual Victimization

۲۸. دین جان چمپیون، روش تحقیق در عدالت کیفری و جرم‌شناسی، ترجمه علی شایان (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۵)، ۲۲۰.

۲۹. همان، ۲۱۴.

۳۰. پاملا ابوت و کلر والاس، درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی، ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی (تهران: دنیای مادر، ۱۳۸۱)، ۲۷۷.

۳۱. مگی هام و سارا گمیل، فرهنگ نظریه‌های فمینیستی، ترجمه فیروزه مهاجر، نوشین احمدی خراسانی و فرخ قره داغی (تهران: نشر توسعه، ۱۳۸۳)، ۳۵۸.

۳۲. ژینا لیز و فیلیزولا، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند و احمد محمودی (تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۸)، ۶۴.

طرح پژوهش توصیفی و به روش کیفی و با ابزار مصاحبه نیمه ساخت‌مند (بر اساس چهارچوب نظری انتخاب شده و شرایط زنان در مسیر بی‌خانمانی)، انجام پذیرفت. جامعه آماری از میان زنان کارتن‌خواب شهر تهران به روش نمونه‌گیری آسان انتخاب گردید. پس از مصاحبه‌ها بزه‌دیدگی‌های موجود در تجربه زیسته زنان بی‌خانمان در هفت مقوله دسته‌بندی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۴- چهارچوب نظری

نظریه سبک زندگی و نظریه فرصت به‌عنوان چهارچوب نظری پژوهش حاضر انتخاب گردید.

۴-۱- سبک زندگی

نوع زندگی افراد نقش کلیدی در آسیب‌پذیری آنان دارد. نظریه سبک زندگی مؤلفه‌های مربوط به بزه‌دیدگی شخصی را بررسی می‌کند و بر این فرض استوار است که برخی سبک‌های زندگی فرصت‌های جرم را ایجاد می‌کنند. تحقیقات حکایت از آن دارند که افراد دارای سبک‌های زندگی مخاطره‌آمیز، بیشتر در معرض بزه‌دیدگی قرار دارند. احتمال بزه‌دیدگی افراد بر اساس میزان قرار گرفتن آنها در موقعیت‌های پرخطر که مجرمان بالقوه در آنجا حضور دارند، متفاوت است. از یک سو برگزیدن سبک‌های زندگی ویژه، آنان را برای بزهکاران در دسترس می‌سازد و از دیگر سو این سبک زندگی بر اندیشه بزهکار مبنی بر میزان آسیب‌پذیری یا مقاومت بزه‌دیده اثر می‌گذارد. نظریه سبک زندگی، به‌وسیله جیمز گاروفالو^{۳۳} (۱۹۸۷) اصلاح شد تا شامل آثار مستقیم ساختار اجتماعی بر بزه‌دیدگی نیز بشود. او همچنین واکنش به جرم، جذابیت هدف و تفاوت‌های فردی را، به‌عنوان مؤلفه‌های مؤثر بر خطر بزه‌دیدگی وارد این نظریه کرد. «هیندلنگ، گات فردسن و گاروفالو^{۳۴} (۱۹۷۸) با استفاده از سبک زندگی فرد به‌عنوان پایه‌ای برای قرارگرفتن در معرض بزه‌دیدگی، نظریه‌ای مشابه را مطرح کردند. بنابر نظریه «در معرض بودن»، این سبک زندگی شامل ویژگی‌های فردی و فعالیت‌های خاص می‌شود که به افزایش یا کاهش خطر بزه‌دیدگی فرد می‌انجامد. این ویژگی‌ها شامل سن، جنسیت، وضعیت شغلی و وضعیت تأهل می‌باشد.»^{۳۵} در معرض خطر بودن به سه عامل نقش اجتماعی فرد، موقعیت او در ساختار اجتماعی و عقلانیت تشخیص رفتار مطلوب بستگی دارد.

۴-۲- نظریه فرصت

نظریه فرصت بر نقش مثبت شرایط زمینه‌ساز رخداد جرم و نقش منفی عوامل مانع وقوع آن مبتنی می‌باشد. در این نظریه سه دیدگاه «تبیین جرم» یعنی «دیدگاه فعالیت روزمره» «دیدگاه الگوی جرم» و «دیدگاه انتخاب عقلانی» مورد توجه قرار می‌گیرد. بر اساس دیدگاه تبیین جرم، وقوع جرم

33. James Garofalu

34. Hindling, Gut fredsen & Garofalu

۳۵. آن ولبرت برجس، چریل رگر و آلبرت آر. رابرتس، *بزه‌دیده شناسی نظریه‌ها و کاربردها*. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵)، ۱۰۱.

بیانگر حضور مجرمین برانگیخته، آماج مناسب و جاذبه‌دار و فقدان مراقب قابل است. دیدگاه فعالیت روزمره بر این فرض استوار است که باید بین وجود بزه‌کار احتمالی تحریک شده، وجود آماج بزه مناسب و فقدان محافظ کارآمد، تقارن زمانی و مکانی وجود داشته باشد. مطابق آموزه‌های جرم‌شناسی محیطی، جرم حاصل انتخاب به‌هنگام بزه‌کار است، انتخابی که با فراهم کردن یک موقعیت مناسب برگزیده می‌شود. از این رو مکان نقش چشمگیری را در پیدایش موقعیت جرم ایفا می‌کند که می‌توان آن را بستر پایدار و دائمی موقعیت جرم محسوب نمود. همچنین وجود بعضی از ویژگی‌ها در افراد آنان را به آماج‌های مناسب و ایده‌آل جرم تبدیل می‌کند که این شرایط در مورد جرایم مختلف متفاوت است. منظور از محافظ کارآمد، هر مانعی است که موجب بازدارندگی از جرم می‌شود.

نظریه الگوی جرم به‌عنوان بخشی اساسی از جرم‌شناسی محیطی در صدد پاسخگویی به این پرسش است که چگونه مردم در فرایند رخداد جرم در زمان و مکان وقوع جرم قرار می‌گیرند و با محیط فیزیکی خود کنش متقابل دارند و این امر فرصت‌های جرم کمتر یا بیشتری را تولید می‌کند. بر اساس این نظریه، بزه‌کاران آماج‌های مناسب خود را در طول فعالیت روزانه برمی‌گزینند که بر اساس انتخاب عقلانی انتخابی آسان با مشقت‌های کمتر است. به باور کلکوهن ایان^{۳۶} «مناسب‌ترین آماج، مطلوب‌ترین فرصت ارتکاب جرم تلقی می‌شود که آن نیز برخاسته از محیط است.»^{۳۷} نقطه داغ اصطلاحی برای بیان موقعیت مکانی نقاط دارای فراوانی وقوع جرم است. به باور لاروین و چاینی^{۳۸} «یک نقطه داغ ممکن است به تنهایی در یک موقعیت معین قرار داشته باشد و یا به صورت مجموعه‌ای وابسته به یکدیگر باشند.»^{۳۹} لاروین تیلر^{۴۰} (۱۹۹۷) با تحقیقی در خصوص بررسی نقاط داغ جرم به این نتیجه رسید که نقاط داغ جرم دارای جابه‌جایی‌های مختلفی هستند و پراکندگی آنان به موقعیت بازارهای مواد مخدر محله‌های بی‌فرهنگ شلوغ و ناامن روسپی‌گری و ترس از جرم بستگی دارد. جاذب‌های جرم یعنی اماکنی که بزه‌کاران بسیاری را به خود جلب می‌کنند، به دلیل دارا بودن اشخاص آسیب‌پذیرتر و با حذف عامل حفاظت و نظارت به اماکن شتاب‌بخش تبدیل می‌شوند که محل تجمع بزه‌دیدگان مکرر به‌شمار می‌آیند... همچنین دیدگاه انتخاب عقلانی از منظر بزه‌کار، به منافع و هزینه‌های جرم می‌نگرد. از این رو حسابگری‌های بزه‌کارانه آماج مناسب و شرایط زمانی و مکانی رخداد جرم را تعیین می‌کند.

36. Kelcohenian

۳۷. مهدی مقیمی، «مؤلفه‌های مکانی پیشگیری از جرم» در دایره المعارف علوم جنایی کتاب دوم، به اهتمام علی حسین نجفی ابرندآبادی (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲)، ۸۱۳.

38. Larvin & Chaini

۳۹. جعفر میر کتولی و امید عبدی، ۱۳۹۰، «استفاده از الگوهای GIS در تحلیل مکانی نقاط داغ جرم شهری (نمونه: شهر گرگان)» *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*؟؟؟ (۱۳۹۰)، ۸۱.

40. Larvin tyler

۵- تحلیل داده‌ها

۵-۱- روایت زنان از نقش بی‌خانمانی در تجربه سکس برای بقا

هستی ۲۴ ساله

«وسط خیابون گرسنه و بدون مواد مونده بودم. شب بود یک آقای ۵۶ ساله بهم غذا و پایپ داد. بعد منو برد خوش، من مثل پدرم بهش وابسته شده بودم ولی اون درو روم قفل کرده بود و ازم سکس می‌خواست. یک ماه تحمل کردم و بالاخره یک روز که نبود فرار کردم.»

پژوهش گرین، انیت و رینگ والت^{۴۱} (۱۹۹۹)، کیت کت و دیگران (۱۹۹۷) نشان داد سکس برای بقا نمایانگر فاصله عمیق بزه‌دیدی تا بزهکاری است. بسیاری از مطالعات نشان دادند که ۲۵٪ از بی‌خانمان‌ها در سکس برای بقا درگیر هستند. این سکس اغلب به معنی سکس برای غذا، پول، یا مکانی برای ماندن است. نرخ قابل توجهی از بزه‌دیدگی‌های جنسی به روش‌های امرارمعاش مربوط می‌شود که شامل درگیر شدن در سکس برای بقا می‌باشد. به این معنا که از ارتباط جنسی برای کسب ضروریاتی چون غذا و سرپناه استفاده می‌گردد.^{۴۲} اگرچه مردان و زنان با فعالیت‌های مشابهی درگیر می‌شوند اما احتمال بیشتری وجود دارد که زنان، بزه‌دیده حمله جنسی و تجاوز باشند.^{۴۳}

«مفهوم «بزهکار بزه‌دیده» به مواردی اشاره دارد که فرد می‌تواند طی آنان - برحسب اوضاع واحوال - بزهکار یا بزه‌دیده شود.»^{۴۴} وارونگی نقش مفهومی است که حرکت فرد را از بزهکاری به بزه‌دیدگی و از بزه‌دیدگی به بزهکاری دنبال می‌کند. در یک فرهنگ آلوده به خشونت و محیط جرم‌زا تبدیل بزه‌دیده به بزهکار برای بقا دور از ذهن نیست. در ایران تجربه سکس برای بقا در زنان معتاد بیشتر از زنان غیر معتاد دیده می‌شود که با تجارب جهانی تفاوتی ندارد؛ اما در تجربه سکس برای بقا در ایران به‌طور کلی با کشورهای دیگر تفاوتی ویژه دیده می‌شود.

زنان بی‌خانمان، ناتوان از تأمین اقتصادی و حمایتی خود و برای فرار از برچسب‌های اخلاقی در یک جامعه مذهبی و رهایی از مجازات‌های قانونی، به ازدواج موقت روی می‌آورند. اغلب آنان به دلیل فقر عاطفی رابطه عمیقی برقرار می‌کنند و در این راستا مورد سوءاستفاده‌های متعدد در زمینه اختفاء و فروش مواد مخدر قرار می‌گیرند و گاهی سال‌ها تحمل کیفر می‌کنند. به باور گرام و راولینگز^{۴۵} (۱۹۹۱) «برقرار کردن ارتباط عاطفی با یک سوءاستفاده‌کننده می‌تواند یک استراتژی فراگیر برای زنده ماندن نزد بزه‌دیدگان سوءاستفاده‌میان - فردی باشد.»^{۴۶} در اغلب موارد این هم‌خانگی، با دستگیری مرد یا زن و یا رها کردن زن از سوی مرد پایان می‌یابد.

41. Green, Ennett & Ring walt

42. Ibidom

43. Tyler et al., (2001).

۴۴. علی حسین نجفی ابرندآبادی و حمید هاشم بیگی، *دانشنامه جرم‌شناسی* (تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۹۵)، ۱۶.

45. Gram & Rawlings

۴۶. برجس، رگر و رابرتس، پیشین، ۹۵.

اکرم ۴۰ ساله

«بعد از طلاق بچه ۶ ماهه رو دادم به باباش بعد برای خرج زندگی و مواد، صیغه یک موادفروش شدم. حامله شدم، به این شرط که بعد بچه رو بفروشه، پذیرفت که اونو به دنیا بیارم. بعد بچه رو به ۵ میلیون تومن فروخت. حالا به جرم حمل مواد زندانه و من دوباره سرگردان.»

کلیه ازدواج‌های موقت رایج در بین این زنان با آنچه در شرع و قانون تعریف گردیده متفاوت می‌باشد. در هیچ کدام از این ازدواج‌ها مهریه‌ای تعیین و پرداخت نمی‌شود. در این هم‌خانگی موقت، زنان در مقابل ارائه خدمات جنسی و انجام کار خانگی از سرپناه و غذای مختصر برخوردار می‌شوند. زنان در این نوع روابط، به دلایل متعدد از جمله حفظ ماندگاری خود در این پیوند، از شیوه‌های جلوگیری از بارداری استفاده نمی‌کنند و مردان در مورد فرزند مشترک حاصل از این ازدواج‌های ثبت نشده هیچ مسئولیتی را نمی‌پذیرند. این کودکان پس از تولد به شیرخوارگاه‌ها سپرده شده و یا به فروش می‌رسند. تجربه گسست‌های عاطفی، خشونت‌های جنسی و ابتلا به بیماری‌های مقاربتی از بزه‌دیدگی‌های رایج این پیوندها می‌باشد.

پژوهش حاضر نشان داد همه زنان دارای اعتیاد لاقول یک بار سکس برای بقا را تجربه کرده‌اند.

۵-۲- روایت زنان از نقش بی‌خانمانی در تجربه بزه‌دیدگی‌های جنسی

ملیحه ۲۷ ساله

«توی باغ خرابه محل، خوابیده بودم. چند هفته بود غذا نخورده بودم. ضعف داشتم، یک لحظه دیدم کسی داره لباسامو در میاره، پاشدم ولی قدرت مقاومت نداشتم، هولم داد، دست و پامو گرفت و تا وقتی کارشو نکرد ولم نکرد. تا جواب تست هپاتیت و ایدز بیاد مردم و زنده شدم.»

«بر اساس تعریف سازمان بهداشت جهانی، تجاوز جنسی عبارت است از: هر نوع عمل جنسی، تلاش برای رسیدن به یک عمل جنسی، تعابیر یا پیشنهادهای جنسی ناخواسته یا اعمالی با هدف معامله یا ارائه طریق برای استفاده جنسی از یک شخص با عنف از سوی هرکس، بدون توجه به رابطه‌اش با بزه‌دیده در هر مکان و نه محدود به منزل و محل کار. خشونت جنسی می‌تواند شامل تلاش برای تجاوز یا تجاوز انجام گرفته، سرکوب و آزار جنسی، تماس جنسی با زور یا تهدید و یا تهدید به تجاوز باشد. مؤلفه‌های مردسالاری و قدرت نابرابر از دلایل بنیادین تجاوز جنسی تلقی می‌شوند.»^{۴۷} از تجاوز به دلیل خودداری بزه‌دیده از گزارش بزه‌دیدگی، به‌عنوان جرم پنهان یاد می‌شود. در تجاوز فردی متجاوز به تنهایی و با شگردهایی چون دروغ و فریب تهدید به آبروریزی، سوءاستفاده از موقعیت برتر و تهدید، استفاده از مواد خواب‌آور، قربانی را موردهدف قرار می‌دهد و در تجاوز گروهی متجاوزین در قالب گروه و باند قربانی را ربوده و اغلب با اعمال خشونت ناشی از حس

۴۷. محسن مالجو، «تجاوز به محارم زمینه‌ها، استراتژی‌های متجاوز و واکنش‌های بزه‌دیده»، *رغاه/ اجتماعی* ۳۴(۱۳۸۸)،

قدرت و خشم، قربانی را آزار می‌دهند. کرول و برگس^{۴۸} (۱۹۹۶)، بر این باورند: «زنان نسبت به سایر انواع آسیب‌ها بیشتر در معرض تعرض جنسی قرار دارند.» نتایج مطالعات کری، ونبیل، کوری - دوهیگر و یوربن^{۴۹} در ۲۰۰۷ نشان داد که احتمال بزه‌دیدگی زنان در آزارهای جنسی ده برابر بیشتر از مردان است. نتایج پژوهش گیردت و دیگران نشان داد «ریسک ابتلا به HIV یکی از رفتارهای مغایر با سلامتی برآمده از تجاوزات جنسی است. استفاده کمتر از کاندوم، شرکای جنسی متعدد، نرخ بالای مبادله جنسی و وجود شرکای جنسی مقارن، با تاریخ بزه‌دیدگی جنسی گزارش شده است. این رفتارها احتمال انتقال عفونت را افزایش می‌دهد.» هم‌جواری، جاذب بودن قربانی، قابلیت دسترسی، قابلیت کنترل و میزان خطر، از مهم‌ترین عوامل دخیل در انتخاب قربانی از سوی متجاوز به‌شمار می‌روند. بیماران روانی، دختران فراری و زنان خیابانی مهم‌ترین قربانیان این تجاوزها می‌باشند. زنان بی‌خانمان به دلیل بی‌پناهی و فقدان حامی کارآمد، اعم از حمایتگر فردی یا اجتماعی، سابقه اعتیاد و ترس از مراجعه به مراکز قانونی، از آسیب‌پذیرترین افراد در برابر این پدیده محسوب می‌شوند.

پروانه ۲۴ ساله

«وقتی مجبور به یک رابطه میشی اگر به زور و با خفت‌گیری باشه حس و حالت بده تا خدا، اون لحظه دوست داری روی خودت یک کاری بکنی به خدا و پیغمبر... پروانه آثار خودزنی فراوان دارد و به ایدز مبتلاست.»

زنان در تجاوز علاوه بر صدمات جسمانی، صدمات روانی مهلکی را تجربه می‌کنند. انجمن روان‌شناسی آمریکا از این اختلال به اختلال استرس پس از تروما^{۵۰} یاد می‌کند. نتایج پژوهش برجس و هولم استورم^{۵۱} نشان داد بزه‌دیدگان دائماً از نشانه‌هایی همچون تصاویر ذهنی بازگشت به گذشته، افکار آزاردهنده درباره تجاوز، ترس، اضطراب، کابوس در شب یا روز و رشد تنفر و بیزاری یاد می‌کنند. پژوهش دینیل سون و دیگران (۲۰۰۶) نشان داد تجربه PTSD در زنان بزه‌دیده جنسی با افزایش خطر رفتارهای پرخطر جنسی همبسته است. کلیه زنان بی‌خانمان به‌واسطه جنسیت، در هر شرایط سنی و فیزیکی آزار و مزاحمت خیابانی را تجربه کرده‌اند. ۲۱٪ از مصاحبه‌شوندگان تجاوز فردی و ۲۰٪ از مصاحبه‌شوندگان خشونت و تجاوز جنسی گروهی را تجربه کرده‌اند که خود از آن به «خفت‌گیری» یاد می‌کنند. این خشونت‌ها گاهی توسط بیش از ده مرد و در طی چند روز اعمال می‌شده است. زنان معتاد در راستای خرده‌فروشی مواد مخدر و تعامل با خرده‌فروش‌ها و مصرف‌کنندگان و زنان دارای اختلالات روانی به دلیل بی‌قدرتی عقلی و روانی از جاذب‌های این نوع خشونت به‌شمار می‌آیند. اغلب آنان به پخش فیلم صحنه‌های تجاوز، به‌منظور اجبار به سکوت و یا

48. Crul & Berges

49. Carey, Vanable, Coury-Dohiger & Urban

50. Posttraumatic Stress Disorder

51. Berges & Holmstorm

ادامه روابط، تهدید شده بودند.

۵-۳- روایت زنان از نقش بی‌خانمانی در تجربه روسپی‌گری

مهشید ۴۶ ساله

«پدرم الکلی بود وقتی مست می‌کرد می‌گفت بیا برام برقص. بعد از من سوءاستفاده می‌کرد. تو ۱۴ سالگی گول خوردم و بکارت‌مو از دست دادم. دو سال تو خونه حبسم کردن، تو ۲۰ سالگی زدم بیرون، تن‌فروشی می‌کنم. هر بار صد هزار تومن میدن ولی این کار هم مشکلات خودشو داره، همه رابطه با کاندوم قبول نمی‌کنند، سکس مقعدی می‌خوان. سکس خشن رو با پول بیشتر قبول می‌کنم ولی گاهی خیلی سخت میشه تا جایی که خطر مرگ نداشته باشه چیزی نمیگم، گاهی توی غذا دارو می‌ریزن صبح به هوش میام گوشی و وسایلمو بردن و یا اصلاً پول نمی‌دن. یک بار با گاز اشک‌آور باهام رابطه برقرار کرد. یک هفته میشه فهمیدم تست ایدزم مثبت.»

«روسپی‌گری تجارتي است که در آن افرادی که از لحاظ طبقاتی، نژادی، سنی و جنسی محروم هستند به کسانی که از این امتیازات برخوردار هستند خدمت می‌رسانند. همیشه نمایش روسپی‌گری یکی از اشکال خشونت جنسی و بردگی داوطلبانه است. زنان درگیر در روسپی‌گری بر اساس آسیب‌پذیری‌شان، تجربه‌های کودک‌آزاری‌شان یا فقدان آموزش خریداری می‌شوند.»^{۵۲} فروش سکس به قابل‌رؤیت شدن آنان می‌انجامد و آنان را در موقعیتی خطرناک و آسیب‌پذیر و بدون محافظت در برابر مشتریان خشن و کسان دیگری که قصد بهره‌برداری از آنان را دارند، قرار می‌دهد. در جرم‌شناسی از روسپی‌گری به‌عنوان جرایم بدون قربانی یاد می‌کنند «اما قربانیان بلافصل این جرایم خود مرتکبین هستند.»^{۵۳} زیرا جرایم جنسی همراه با رضایت بزه‌دیده، بی‌تردید با بزه‌دیدگی ساختاری آنان مرتبط است. از این‌رو تحلیل روسپی‌گری با معیارهای اخلاقی و میدیکال، کارکردهای اجتماعی و ساختاری دخیل در پدیدآوری آن را پنهان می‌سازد.

پژوهش سارات^{۵۴} و دیگران در ۲۰۰۴ نشان می‌دهد: «از مطالعه ۳۲۵ نفر از زنانی که به روسپی‌گری مشغول بودند ۵۰٪ با سوءاستفاده جنسی دوران کودکی درگیر بودند و ۴۵٪ بی‌خانمان بودند.»
پژوهش ویتزر^{۵۵} (۲۰۱۰) بیان می‌دارد که استیون اسپیتزر^{۵۶} از زنان خیابانی به‌عنوان خرت‌وپرت اجتماعی یاد می‌کند که به حاشیه راندن و طرد گروه‌هایی از جامعه که به دلیل صفات شخصی و تمایلات اجتماعی، مستعد بزه‌دیده واقع شدن هستند، اشاره دارد. صفات شخصی، شامل سبک زندگی انحرافی و غیرمولد و غیره می‌باشد، درحالی که گرایش‌های منفی پیرامون آنان بزه‌دیدگی‌شان را تسهیل

۵۲. سعید مدنی، جامعه‌شناسی روسپی‌گری بررسی آسیب‌های اجتماعی (تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۹۵)، ۱۳۸.

۵۳. ابرنآبادی و هاشم بیگی، پیشین، ۲۴۵.

54. Surratt

55. Weitzer

56. Steven Spitzer

می‌کند. روسپی‌های خیابانی در مقایسه با روسپیان دیگر از نظر رضایت شغلی، اعتمادبه‌نفس و خطر بزه‌دیدگی متفاوت هستند و در سطح پایین‌تری از کار جنسی قرار دارند. زیرا از طرف هیچ‌کس حمایت نمی‌شوند و قدرت و آزادی انتخاب مشتری را ندارند. پولی که دریافت می‌کنند کم‌تر است، محلی که مبادله سکس می‌کنند امن نیست و احتمال اینکه مورد خشونت قرار بگیرند بیشتر است. این موارد زنان خیابانی را آسیب‌پذیرتر می‌سازد. خانم تی سندر^{۵۷} در مقاله خود این زنان را به‌عنوان دیگری^{۵۸} مطرح می‌کند. «دیگری» به گروه خاصی از مردم گفته می‌شود که از جامعه رانده می‌شوند. فرض می‌شود که زنان خیابانی دقیقاً از میان چنین گروهی هستند که طبیعی است که به‌مثابه یک خطر و تهدید اجتماعی نسبت به اخلاق از تمام جمعیت رانده شوند. زنان خیابانی کارهای شرم‌آور و مجرمانه‌ای را دنبال می‌کنند که تهدید فیزیکی و ضربه‌های روانی و جسمی را برای آنان به‌دنبال دارد. خطر عمومی برای این زنان مورد خشونت قرار گرفتن از سوی مشتری‌ها و قوادان و ترس از پلیس است خطر اختصاصی برای آنان شرم‌آوری و طرد است. این نشان می‌دهد که چرا زنان خیابانی در گروه بزه‌دیدگان پرخطر قرار دارند. آنان شرم‌آوری، طرد و استرس را به‌مثابه یک خشونت تجربه می‌کنند، آنان از اینکه حقیقت فعالیتشان برای افراد خانواده، دوستان یا شرکای نزدیکشان آشکار شود می‌هراسند. زنان خیابانی بی‌خانمان در شرایط فشار اقتصادی، تجربه قربانی شدن، استرس‌ها، اعتیاد و مشکلات خانوادگی قرار دارند که موقعیت بزه‌کار - بزه‌دیدگی آنان باتوجه‌به نظریه فشار عمومی اگنیو^{۵۹} قابل‌پیش‌بینی می‌باشد.

در پژوهش حاضر ۱۵٪ از مصاحبه‌شوندگان روسپی‌گری را به‌عنوان روش درآمد خود اعلام کردند. تجربه تجاوز محارم و غیرمحارم و فرار از خانه، قبل از بی‌خانمانی، در همه نمونه‌های مذکور دیده می‌شد. از این میان ۲ نفر به ایدز مبتلا بودند.

۵-۴- روایت زنان از نقش بی‌خانمانی در تجربه ترس از جرم

خاطره ۲۵ ساله

«۷ ماه توی پارک دانشجو خوابیدم. تیپ پسرانه می‌زدم که کسی سراغم نیاد. حمایت نصفه‌نیمه کاره بهتر از هیچیه. تا صبح باید تو پارک راه می‌رفتم. خوابیدن تو پارک یعنی یک اتفاق بد.»
احساس امنیت از نیازهای مهم هر فرد در زندگی اجتماعی به‌شمار می‌آید. «ترس از جرم نوعی اضطراب منطقی یا غیرمنطقی است که در نتیجه این استنباط که فرد در معرض خطر بزه‌دیدگی است پدید می‌آید.»^{۶۰}

به تعبیر استانکو^{۶۱} (۱۹۹۲) زنان به‌طور ثابتی سه برابر بیشتر از مردان می‌ترسند. در واکاوی

57. T. Sander

58. Other

59. Agnio

۶۰. امیر پاک نهاد، «احساس ترس و ناامنی»، *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۵ (۱۳۹۲)، ۱۵۸.

61. Stanko

جامعه‌شناختی جستجوی عوامل اجتماعی - فرهنگی مرتبط با ترس از جرم زنان، با این قضیه مواجه خواهیم شد که این پدیده مسئله‌ای اجتماعی و انعکاسی از موقعیت اجتماعی زنان در ساختارهای جنسیت و قدرت است.^{۶۲}

دلایل ترس از جرم مبتنی بر جنسیت را می‌توان در آسیب‌پذیری جسمی زنان در برابر حمله‌های فیزیکی و قدرت کمتر آنان در دفاع از خود و دلایل روانی و اجتماعی آن را در نقصان اعتمادبه‌نفس و استقلال، تصور آسیب‌پذیر بودن تحت سیطره جامعه‌پذیری جنسیتی، سابقه بزه‌دیدگی، ترس از برچسب‌های پس از بزه‌دیدگی و سرزنش و ملامتی که در پی دارد و عدم ادغام اجتماعی و حاشیه‌ای بودن و آشفتگی‌های محیطی جستجو کرد.

زنان بی‌خانمان به دلیل فرودستی جنسیتی، فرهنگی و اجتماعی، تجربه بزه‌دیدگی‌های جنسی، فقدان حمایت اجتماعی حاصل از طرد و زندگی در مخروبه‌ها و اماکنی با پنجره‌های شکسته این ترس را از اعماق جان تجربه می‌کنند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد کلیه مصاحبه‌شوندگان، ترس از جرم در بی‌خانمانی را تجربه کرده‌اند.

۵-۵- روایت زنان از نقش بی‌خانمانی در تجربه سابقه کیفری

پروانه ۳۴ ساله

«از ۱۳ سالگی از خانه فرار کردم. سیگار، حشیش، الکل و کانون اصلاح و تربیت. در ۱۷ سالگی بعد از زایمان یک‌راست به زندان برده شدم و بچه هم بعد از شش ماه به بهزیستی سپرده شد. اوین، رجائی شهر و خورین خانه من بود، به خاطر سابقه مواد و شرارت و سابقه خودکشی و خودزنی و حالا ایدز.» نتایج پژوهش‌های بلوم و همکاران، ۲۰۰۳، اوون و بلوم، ۱۹۹۸، چسنی لیند، ۱۹۹۷، بلوم ۱۹۹۶ نشان می‌دهد: طیف وسیعی از مجرمان زن را افرادی تشکیل می‌دهند که دارای سطح پائینی از سواد و مهارت‌های تخصصی هستند. به حاشیه رانده شدن و عدم ادغام اجتماعی زنان که موجب از دست رفتن فرصت‌های اجتماعی، نظیر تحصیل و اشتغال در آنان می‌شود، عامل مهم ارتکاب جرم در آنان است. اعتیاد و مصرف مواد مخدر در ارتکاب جرم زنان نقش مؤثری دارد. فروتری اجتماعی - اقتصادی زنان، مناسبات شغلی، نابسامانی‌های خانوادگی و سابقه مجرمیت همسر و تبعیت از او، سبک زندگی پر مخاطره در فراهم شدن زمینه‌های ارتکاب جرم مؤثر بوده است.^{۶۳} فقر قابلیت، درگیر شدن زنان بی‌خانمان در اقتصاد سیاه زندگی در مکان‌های جرم‌خیز، در یک وارونگی نقش بزه‌دیده به بزهکار، سابقه کیفری زنان بی‌خانمان را توجیه‌پذیر می‌نماید. احساس فشار و هراس از

۶۲ گرب، ۱۳۸۱ به نقل از مریم قاضی نژاد و فرشته شاکری. «بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم و رفتارهای غیر مدنی در میان زنان شهر تهران (با تاکید بر هویت جنسی و هویت مدنی)»، مسایل اجتماعی ایران ۱۳۹۱(۲): ۱۸۱-۲۰۲.

۶۳. میر حسینی، پیشین، ۱۱۷.

داغ بزهکاری برای زنان متفاوت از مردان تجربه می‌شود زیرا «زنان مجرم دو برابر منحرف محسوب می‌شوند.»^{۶۴} و این مهم تجربه طرد اجتماعی را در آنان عمیق‌تر می‌سازد. بازسازی زندگی در پی از دست دادن سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی و داغ ننگ، از جمله چالش‌های زنان پس از رهایی از زندان به‌شمار می‌روند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد: ۱۹ نفر از مصاحبه‌شوندگان دارای سابقه کیفری درزمینه خریدوفروش مواد مخدر، ارتباط نامشروع و درگیری‌های خیابانی می‌باشند. سابقه کیفری درزمینه ارتباط نامشروع، به دلیل استفاده از پوشش ازدواج موقت کاهش محسوس داشته است.

۵-۶- روایت زنان از نقش بی‌خانمانی در تجربه سلامت و بهداشت

هستی ۲۲ ساله

«۳ بار سابقه بستری تو بیمارستان زارع ساری، بیمارستان امام حسین و بیمارستان حضرت معصومه قم دارم. تشخیص‌شون بیماری دوقطبی و جنون جنسی بوده. آخه از بچگی با شلنگ دستشویی خودارضایی می‌کردم و خونین‌ومالین از دستشویی می‌ومدم بیرون. حالا عفونت مثانه و کیست تخمدان دارم.»

سلامت بی‌خانمان‌ها از ابعاد مختلف قابل بررسی می‌باشد؛ از یک‌سو عوامل محیطی چون زندگی در محل‌های پرجمعیت و غیربهداشتی، مشکلات مرتبط با فقر مانند شرایط زندگی نامساعد، وعده‌های غذایی نامناسب، در معرض گرما و سرما بودن، صدمات ناشی از تصادفات و تعرضات جسمی و جنسی، استرس‌های روانی ناشی از زندگی در شرایط دشوار بر سلامت جسمی و روانی آنان اثر می‌گذارد و از دیگر سو ناتوانی در دسترسی به بهداشت و درمان مناسب، شرایط ناگوارتری را برای آنان رقم می‌زند. «مسئله تنها این نیست که افراد بی‌خانمان وضعیت بهداشتی و سلامتی نامساعدی دارند بلکه این است که آنان همواره نمی‌توانند به خدمات بهداشتی و درمانی دسترسی کافی داشته باشند.»^{۶۵}

نتایج پژوهش حاضر نشان داد: اغلب مصاحبه‌شوندگان به‌ویژه معتادان به مواد مخدر از سلامت دهان و دندان برخوردار نبودند. شیوع شکستگی پا و لگن و وجود پلاتین در این نواحی و معلولیت‌های جسمی درمان نشده به علت تصادفات دیده می‌شد. ضعف بینایی شدید در دو مورد مشاهده گردید. ۳ نفر به ایدز و ۱ نفر به هیپاتیت مبتلا بود.

بیماری‌های روانی ژنتیک و عدم امکان درمان آن از عوامل مهم بی‌خانمانی در زنان محسوب می‌شود.

گسستگی روابط خانوادگی شرایط آنان را پیچیده‌تر می‌سازد. بی‌خانمانی ممکن است به تنهایی

۶۴. آبوت و والاس، پیشین، ۲۲۰-۲۲۱.

۶۵. وندی، بینز و دیگران، بی‌خانمانی و سیاست‌گذاری اجتماعی، ترجمه محمد، خانی، (تهران: شرکت انتشارات

علمی و فرهنگی، ۱۳۹۶)، ۲۹۹.

علت مشکلات مربوط به سلامت روانی نباشد اما می‌تواند پیامد یا هم‌پیوند با رویدادهای زندگی پردغدغه قبلی باشد که همدیگر را تشدید کرده و سرانجام ماشه مشکلات مربوط به سلامت روانی را چکانده است.

برای برخی از افراد بدترین موضوعی که سلامت روانی‌شان را تحت تأثیر قرار داده احساس بی‌خانمانی بوده است. مشکلات روانی گزارش شده درمورد کارتن‌خواب‌ها ناشی از فشار مضاعف زندگی در خیابان است. از این رو اضطراب‌ها و افسردگی‌های برخی از افراد بی‌خانمان می‌تواند ناشی از مشکلات دیگری باشد که هم‌پیوند با نداشتن خانه است.^{۶۶}

نتایج پژوهش حاضر نشان داد: همه مصاحبه‌شوندگان از وجود علائمی چون اضطراب، استرس، افسردگی رنج می‌بردند. ۶۰٪ از افراد مصاحبه شده دارای اختلالات روانی جدی می‌باشند. از این میان ۲۰ نفر سابقه بستری در بیمارستان‌های روانی، ۳ نفر سابقه شوک‌درمانی، ۱۹ نفر سابقه خودکشی و ۸ نفر سابقه خودزنی، داشته‌اند. ۱۰ نفر در حین مصاحبه علائمی از هذیان‌گوئی، پرخاشگری و توهّم داشته‌اند. بیشترین بزه‌دیدگی‌های جنسی و بارداری‌های نامشروع در این گروه مشاهده می‌شد.

۵-۷- روایت زنان از نقش بی‌خانمانی از تجربه طرد اجتماعی

سورا ۳۳ ساله

«من با داشتن سه بچه نامشروع ۲ ساله، ۴ ساله و ۸ ساله باعث بی‌آبرویی برادرارم شدم. مادرم ناراحتی اعصاب گرفت. آخرم دو سال پیش خانه رو فروختن و رفتن تا من هیچ خبری ازشان نداشته باشم.»

طرد اجتماعی به مفهوم گسست پیوندهای میان افراد و جامعه، برحسب چهار مؤلفه مشارکت، حقوق شهروندی، دسترسی به فرصت‌ها و بی‌قدرتی تعریف می‌گردد. در دسترسی به فرصت‌ها، علاوه بر محرومیت از کالاها، استانداردهای زندگی و انتخاب‌ها و شانس‌های زندگی سایر افراد جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین ابعاد و حوزه‌های طرد اجتماعی را می‌توان در منابع، شامل منابع مادی، اقتصادی، دسترسی به خدمات دولتی و منابع اجتماعی و مشارکت، شامل مشارکت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مدنی و همچنین در کیفیت زندگی، شامل سلامتی، بهزیستی، محیط زندگی، جرم و آسیب، آموزش و مهارت‌ها جستجو کرد.

۹ و ۷۷ درصد از زنان از میزان طرد اجتماعی بالایی رنج می‌برند و در مقایسه ۴۸/۵۲ درصد از مردان از میزان بالای طرد اجتماعی رنج می‌برند؛ بنابراین بین جنسیت و طرد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و زنان طرد عینی بیشتری را تجربه می‌کنند.^{۶۷} زنان در حوزه‌های هفت‌گانه با ایدز هراسی، طرد از روابط اجتماعی، طرد اقتصادی، طرد از شبکه‌های اجتماعی، طرد نمادین، طرد

۶۶. بینز و دیگران، پیشین، ۲۸۳.

۶۷. علی اکبر تاج مزینانی و فاطمه خرم آبادی، «بررسی مقایسه‌ای زنان و مردان جوان شهرستان نهاوند در ارتباط با میزان و ابعاد (عینی - ذهنی) طرد اجتماعی»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر ۳۳(۱۳۹۵)، ۳۶.

از حوزه درمان و طرد قضایی مواجه‌اند.^{۶۸} طرد اجتماعی به کسانی اشاره دارد که به‌عنوان افراد و یا به‌عنوان یک گروه، تجربه انباشتگی شرایط نامساعد در جامعه‌ای را دارند که در آن زندگی می‌کنند. زنان با تجربه تبعیض‌های جنسیتی در زمینه آموزش و اشتغال و نابرابری قدرت و منابع در قوانین خانواده، طرد اجتماعی را قبل از بی‌خانمانی تجربه می‌کنند. زنان بی‌خانمان با انباشتی از بی‌قابلیتی و بی‌قدرتی در تعامل با طرد خانوادگی و قطع حمایت‌های اجتماعی، اندک امید خود به تجربه رضایت از زندگی را از دست می‌دهند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد: ۵۳٪ از مددجویان با والدین در قطع رابطه کامل هستند. ۱۴ نفر از حمایت مالی و ۱۸ نفر از حمایت عاطفی آنان برخوردارند. حمایت اجتماعی از زنان بی‌خانمان در احداث چند گرم‌خانه و مدد سرا با کیفیتی نازل به‌ویژه در جهت آموزش و توانمندسازی محدود می‌شود.

نتیجه‌گیری

بی‌سوادی و بی‌مهارتی، فقر قابلیتی را به همراه دارد. فقر قابلیتی امکان اشتغال و درآمدزایی را ناممکن می‌کند و این فقر در نبود حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی تحت تأثیر طرد اجتماعی، زنان را برای ادامه بقا به انتخاب راه‌های انحرافی وامی‌دارد. زندگی زنان بی‌خانمان در بیرون از خانه همراه با تجربه ۴۶٪ زندگی در پارک‌ها، انباری، خانه‌های مخروبه، پاتوق‌ها، قبرستان‌ها و راه‌های حفظ بقا، سبک زندگی ویژه‌ای را به آنان تحمیل می‌کند. سرپناه و در امان ماندن از سرما و غذا از نیازهای اولیه آنان محسوب می‌شود. در تجربه زنان بی‌خانمان، سکس برای بقا متداول‌ترین گزینه محسوب می‌شود. سرقت، تکدی، فروش مواد، جمع‌آوری ضایعات، تن‌فروشی از دیگر گزینه‌های زنان برای کسب درآمد می‌باشند. اغلب زنان، بزه‌دیدگی‌ها را در راستای کسب درآمد حداقلی و در یک وارونگی نقش از بزه‌دیده به بزه‌کار، تجربه می‌کنند. رهاورد راه‌های حفظ بقا برای این زنان بیماری، بزه‌دیدگی‌های جسمی و روانی و سابقه کیفری می‌باشد که بر عمق انزوای اجتماعی آنان می‌افزاید. بر اساس نظریه مرتن^{۶۹} هرگاه بین وسیله و هدف انطباق وجود نداشته باشد ابداع رایج‌ترین شیوه انطباق فردی، یعنی شیوه‌های کسب‌وکار غیرقانونی و یا غیررسمی برای کسب درآمد می‌باشد. از این رو کسب درآمد زنان بی‌خانمان با روش‌های انحرافی با نظریه فشار ساختی مرتون همخوانی داشته و نشان از بزه‌دیدگی ساختاری دارد.

۱۵٪ از مصاحبه‌شوندگان روسپی‌گری را به‌عنوان روش درآمد خود اعلام کردند. تجربه تجاوز محارم و غیرمحارم و فرار از خانه در همه نمونه‌های مذکور دیده می‌شد. این زنان به دلیل نداشتن مکان برای ارائه خدمات جنسی، نداشتن حامی، قابلیت دسترسی آسان، نیاز شدید به پول، اعتیاد،

۶۸. پروین ستار و ایوب اسلامیان، «تجربه زیسته زنان مبتلا به ویروس اچ آی وی از روابط اجتماعی»، زن در

توسعه و سیاست ۲(۱۳۹۳)، ۲۲۵.

69. Merthion

نداشتن جذابیت‌های فیزیکی، در سطح نازلی از ارائه سکس قرار دارند که علاوه بر تأثیر در میزان دستمزد، بر نوع و کیفیت خدمات ارائه شده از سوی آنان مؤثر می‌باشد. اغلب این زنان مجبور به ارائه خدمات جنسی کنترل نشده در اماکن کثیف و غیربهداشتی همراه با خشونت و تحقیر می‌باشند که صدمات جسمی، روانی، بیماری‌های مقاربتی، بارداری‌های ناخواسته، تولد کودکانی بیمار، معتاد و بدون هویت از پیامدهای آن محسوب می‌شوند.

حضور زنان بی‌خانمان در نقاط داغ شهری و تعاملشان با معتادان، فروشندگان مواد مخدر و بزهکاران، آنان را در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌دهد که با نظریه فرصت همخوانی دارد. در نظریه فرصت‌های افتراقی، اعمال غیرقانونی کسی که در معرض فشار قرار دارد به ساختار و فرصت‌هایی که توسط محیط برای وی فراهم شده است بستگی دارد از این‌رو زنان بی‌خانمان در این محیط‌ها در تعامل با اقتصاد خیابانی، در معرض ارتکاب جرایمی چون روسپی‌گری و فروش مواد مخدر قرار می‌گیرند. از آن‌رو که «بزه‌دیدگی ثانویه نقش اساسی در توضیح ارتباط بین اشخاص و جرایم منطقه‌ای بازی می‌کند.»^{۲۰} احتمال بزه‌دیدگی‌های ثانویه در این زنان قابل پیش‌بینی می‌باشد. سبک زندگی زنان بی‌خانمان بر اندیشه بزهکاران حاضر در مکان‌های داغ شهری مبنی بر قابلیت دسترسی آسان و کم‌هزینه بودن مؤثر می‌باشد که با نظریه اقتصادی بودن جرم بنتام^{۲۱} و نظریه انتخاب عقلانی کورنیش و کلارک^{۲۲} همسو می‌باشد؛

سبک زندگی تحمیل شده بر زنان بی‌خانمان، در نبود محافظ کارآمد و حمایت‌های اجتماعی، آنان را به بزه‌دیدگانی آسیب‌پذیر، ایدئال، مکرر و کم‌هزینه بدل می‌سازد.

نتایج پژوهش با داده‌های پژوهش خدیجه سفیری در محتوا همخوانی دارد اما به دلیل انجام پژوهش ایشان در مرکز نگهداری لویزان که پذیرای افراد خاصی از زنان بی‌خانمان می‌باشد، تفاوت‌هایی در آمار و ارقام به چشم می‌خورد. نتایج با پژوهش زهرا زارع در مورد وجود فاکتورهای خطر برای بازگشت به بی‌خانمانی همخوانی دارد. داده‌های پژوهش علیوردی‌نیا و سالارزاده در مورد نقش فقدان حمایت‌های اجتماعی در بی‌خانمانی مورد تأیید این پژوهش نیز می‌باشد.

همچنین نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش هویت و همکاران (۱۹۸۷)، هویت (۲۰۰۱)، کوفلت و نیمو (۱۹۸)، تایلر، هویت و کوزو (۲۰۰۴) مبنی بر سبک زندگی، درگیر شدن در رفتارهای پرخطر، گروهی از مردم را در معرض خطر بالاتری قرار می‌دهد. برخی از فاکتورهای خطر، با توجه به ادبیات حمله جنسی شامل الکل و استفاده مواد مخدر، خصوصیات شخصیتی و موقعیت است. اما ترکیب این رفتارها با جنسیت و سن تعیین می‌کند که چه کسی قربانی می‌شود، هم‌خوانی دارد.

فهرست منابع

لف) منابع فارسی

- بینز، وندی، روجر باورز، نیکلاس پلیس و دבורا کویلگارس. چاپ دوم. بی‌خانمانی و سیاست‌گذاری اجتماعی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۶.
- ابوت، پاملا و کلر والاس. *درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی*. ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی. تهران: دنیای مادر، ۱۳۸۱.
- برجس، آن ولبرت، چریل رگر و آلبرت آر. رابرتس. *بزه‌دیده شناسی نظریه‌ها و کاربردها*. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵.
- پاک‌نهاد، امیر. ۱۳۹۲، «احساس ناامنی و ترس از جرم». *آموزه‌های حقوق کیفری* ۵(۱۳۹۲): ۱۵۳-۱۷۸.
- تاج مزینانی، علی اکبر و فاطمه خرم آبادی. «بررسی مقایسه‌ای زنان و مردان جوان شهرستان نهاوند در ارتباط با میزان و ابعاد (عینی-ذهنی) طرد اجتماعی». *فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر* ۳۳(۱۳۹۵): ۱-۴۱.
- چمپیون، دین جان. *روش تحقیق در عدالت کیفری و جرم‌شناسی*. ترجمه علی شایان. تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۵.
- داوودی، هما. «بزه‌دیده شناسی زنان و زمینه‌های مؤثر در کاهش جرایم». *مجله فقه و حقوق خانواده* ۵(۱۳۸۸): ۸۹-۱۰۷.
- رایجیان اصل، مهرداد. *بزه‌دیده شناسی، جلد یکم تحولات بزه‌دیده شناسی و علوم جنایی*. چاپ اول. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰.
- زارع، زهرا. «بازشناسی مؤلفه‌های پایگاه اجتماعی و رابطه آن با گرایش به کارتن‌خوابی در شهر تهران». *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی* ۱۹(۷۳)(۱۳۹۸): ۹۵.
- ستار، پروین، و ایوب اسلامیان. «تجربه زیسته زنان مبتلا به ویروس اچ آی وی از روابط اجتماعی» *زن در توسعه و سیاست* ۲(۱۳۹۳): ۲۰۷-۲۲۵.
- سفیری، خدیجه. «بررسی وضعیت امید به زندگی زنان بی‌خانمان شهر تهران مطالعه موردی مرکز نگهداری موقت زنان بی‌خانمان شهرداری تهران سامانسرایی لویزان». *مطالعات توسعه اجتماعی ایران* ۶(۱۳۹۳): ۵۱-۷۰.
- سوری، احمد. «مقایسه و رتبه‌بندی مقیاس‌های سلامت عمومی زنان بزه‌دیده جرم با زنان عادی در شهر تهران». *دوفصلنامه پژوهش‌های انتظامی زنان و خانواده* ۱(۱۳۹۵): ۶-۱۹.
- صادقی فسائی، سهیلا و زیبا میرحسینی. «زندگی پس از زندان، چالش‌های بازسازی برای زنان» *پژوهش راهبردی امنیت و نظم اجتماعی* ۳(۱۳۹۶): ۳۱-۵۰.
- صادقی، سهیلا و زیبا میرحسینی. ۱۳۹۰. «بررسی عوامل مؤثر بر بزه‌دیدگی زنان شهر تهران». *مجله زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)* ۹(۱): ۳۵-۶۲.
- صدیق سروستانی، رحمت الله و آرش نصر اصفهانی. «اعتیاد طرد اجتماعی و کارتن‌خوابی در شهر تهران»، *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران* ۱(۴)(۱۳۸۹): ۱-۱۸.
- فارل، گراهام، کورتا فیلیس و کن پیس. «چرا بزه‌دیدگی ثانوی اتفاق می‌افتد». ترجمه نوروز کارگری، *مجله حقوق اسلامی* ۹(۱۳۸۵): ۱۴۱-۱۶۵.
- قاضی نژاد، مریم و فرشته شاکری. «بررسی و تحلیل جامعه شناختی ترس از جرم و رفتارهای غیر مدنی در

- میان زنان شهر تهران (با تاکید بر هویت جنسی و هویت مدنی»، *مسائل اجتماعی ایران* ۲ (۱۳۹۱): ۲۰۲-۱۸۱. قدوسی، سمیه، «زنان کارتن خواب فرودست فرودستان». *مجله زنان امروز* ۲۰ (۱۳۹۵): ۵-۱۱. لیز، ژرار و ژینا فیلیزولا. *بزه‌دیده و بزه‌دیده شناسی*. مترجمان روح الدین کرد علیوند و احمد محمودی. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۸.
- مالجو، محسن. «تجاوز به محارم زمینه‌ها، استراتژی‌های متجاوز و واکنش‌های بزه‌دیده». *رفاه اجتماعی* ۳۴ (۱۳۸۸): ۸۳-۱۱۴.
- مدنی، سعید. *جامعه‌شناسی روسپی‌گری بررسی آسیب‌های اجتماعی*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۹۵. مقیمی، مهدی. «مؤلفه‌های مکانی پیشگیری از جرم» در *دایره المعارف علوم جنایی کتاب دوم*، به اهتمام علی حسین نجفی ابرندآبادی، ۸۱۳-۸۳۸. تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲.
- میر حسینی، زهرا. «پدیدارشناسی زمینه‌های ارتکاب جرم در زنان». *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی* ۸ (۱۳۹۵): ۱۱۳-۱۴۷.
- میر کتولی، جعفر و امید عبدی. ۱۳۹۰، «استفاده از الگوهای GIS در تحلیل مکانی نقاط داغ جرم شهری (نمونه: شهر گرگان)» *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای* ۱۷ (۱۳۹۰): ۸۱-۹۳.
- میرحسینی، زهرا. «پدیدارشناسی زمینه‌های ارتکاب جرم در زنان». *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی* ۸ (۱۳۹۵): ۱۱۳-۱۴۷.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم بیگی. *دانشنامه جرم‌شناسی*، تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۹۵. ویانو، امیلیو. «بزه‌دیده شناسی» ترجمه نسرین مهران. *مجله تحقیقات حقوقی* ۱۹ (۱۳۷۶): ۴۳۸-۴۵۶. ویلیامز، کاترین. «روش زندگی و تأثیرگذاری بزه‌دیده بر وقوع جرم» ترجمه علی صفاری. *مجله تحقیقات حقوقی* ۴۱ (۱۳۸۴): ۴۰۵-۴۳۲.
- هام، مگی. *فرهنگ نظریه‌های فمینیستی*. ترجمه فیروزه مهاجر، نوشین احمدی خراسانی و فرخ قره داغی. تهران: نشر توسعه، ۱۳۸۳.

ب) منابع انگلیسی

- Burduli, A. Female street prostitutes, violent victimization; international perspective, 2015. Degree project in Criminology 15 30 credits. Malmo University; Faculty of Health and Society, Department of Criminology, 2015, 1-33.
- Kimberly, A, tyler, Les B. Whitbeck, Dan, R. Hoyt and Ana Mari Cause "The Effects of High-Risk Environment on the Sexual victimization of Homeless and Runaway youth." *violence and victims* 16(4)(2001): 441-455.
- K. Tyler, L. Whitbeck and D. Hoyt. "Risk factors for sexual victimization among male and female homeless and Runaway youth". *Journal of Interpersonal Victimizations* 19(5)(2004): 503-520.
- Tyler, Kimberly, A. Hoyt, Dan R. Whitbeck, Les B. and Ana Mari cauce. "The Impact of Childhood Sexual Abuse on Later Victimization among Runaway youth" *Journal of Research on Adolescence* 11(2)(2001): 151-176.